

با توجه به تلازم انضمامی و عینی «جمهوریت و عدالت» و مسبوق بودن هر دو به مفهوم «حق»، فهم دقیق این تلازم و در واقع رابطه دیالکتیک بین این دو، به ویژه در فضای ملی یک کشور و در چارچوب مفهوم «دولت - ملت»، در گرو توجه به «حقوق شهروندی» در ابعاد فردی و اجتماعی است.

دولت نامحدود بالقوه (نگاه بینابینی در فلسفه اجتماعی)، قانون اساسی، منابع دینی از جمله نهج البلاغه، استفاده از تجارب بشری و دیدگاه فیلسوفان حقوق و شناخت شرایط ساختاری و تاریخی و اجتماعی ایران تنظیم و با ارائه یک دسته‌بندی از حقوق فردی و اجتماعی در دو بعد گروهی و جامعه‌ای، عوامل تهدیدزا و سیاست‌های مناسب برای مقابله با این تهدیدات پیشنهاد شده است.

همان گونه که ملاحظه می‌شود در یک تقسیم‌بندی کلان حقوق به دو دسته فردی و اجتماعی تقسیم شده است. در سطح حقوق فردی نیز به دو دسته الف) حقوق طبیعی شامل حق حیات، حق خانواده و تبعات و لوازم آن، حق مسکن (حق اقامت به معنای رابطه حقوقی و مادی فرد با یک محل و مکان معین)، حق اشتغال و حق مالکیت و ب) حقوق وضعی شامل حقوق مدنی، آزادی‌های سیاسی، عدالت فردی، تأمین اجتماعی، آموزش، تابعیت و حق دادخواهی و حقوق سیاسی (حق رأی‌آوری و حق رأی‌دهی) اشاره شده است. تلاش شده است تا به تفصیل علاوه بر توجه به عوامل تهدیدزا، سیاست‌های مواجهه با این عوامل پیشنهاد گردد که می‌تواند در برنامه‌های مختلف توسعه از جمله برنامه هفتم مطرح نظر قرار گیرد. در سطح حقوق اجتماعی نیز به دو دسته حقوق گروهی (اعم از اجتماعات طبیعی ناظر به گروه‌بندی‌های جنسیتی، قومی، مذهبی و گروه‌بندی‌های مدنی ناظر به گروه‌بندی‌های انجمنی و داوطلبانه) و حقوق جامعه اشاره شده است. در بخش حقوق گروهی عمدتاً به مشارکت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی و در بخش حقوق جامعه به حقوق بقا، استقلال، وحدت و یکپارچگی، تمامیت ارضی، عدالت اجتماعی، حقوق فرهنگی (هویت ملی، رشد و تکامل دینی و اخلاقی)، توسعه پایدار و ثبات سیاسی اشاره شده است. در این بخش نیز علاوه بر اشاره به عوامل تهدیدزا، سیاست‌های پیشنهادی نیز مورد توجه بوده است.

همان گونه که استنباط می‌شود چارچوب نظری جامعه‌شناختی این طرح بر پایه توجه به دو فرایند اساسی تفکیک و انسجام بوده است. در فرایند تفکیک با توجه به اجزاء این فرایند یعنی گروه‌بندی‌های افقی و اجتماعات طبیعی، خرده‌فرهنگ‌ها و گروه‌بندی‌های مدنی و عمودی، حقوق آن‌ها ملحوظ شده است. در فرایند انسجام نیز با توجه به عناصر و مؤلفه‌های اساسی آن یعنی هماهنگی ساختاری، ثبات سیاسی و وحدت نمادین تلاش شده است تا در قالب حقوق جامعه، اتصال و پیوند و پیوستگی این گروه‌ها مورد توجه قرار گیرد. علاوه بر توجه به بعد اجتماعی حق (در دو بعد گروهی و جامعه‌ای) با توجه به فلسفه اجتماعی حاکم بر این طرح که فرد نیز واجد اصالت است، به حقوق فردی نیز در دو سطح طبیعی و مدنی عنایتی ویژه شده است. ملاحظه می‌شود که به عوامل تهدیدزا با توجه به ویژگی‌های ساختاری ایرانی نیز توجه شده است و سیاست‌های پیشنهادی نیز در چارچوب توجه به نظام ارزشی مطلوب، قانون اساسی و موانع، قابلیت‌ها و شرایط ساختاری ایران تدوین و تنظیم شده است.